

Political redefinition of Islamic worship rules in Ali Shariati's thought (Case study of Hajj)

Abstract

Hajj is considered as one of the most important Islamic duties which has complex individual and social dimensions and has a special place in Islamic culture and civilization. For centuries, Muslims from all over the world have traveled to Mecca every year to perform the Hajj, and this great Islamic gathering is held every year in a magnificent and grand manner, and its greatness has attracted the attention of many Muslim and non-Muslim thinkers to this Muslim religious ceremony. Ali Shariati, as a Muslim intellectual, has given a special place to Hajj in his system of thought and Islamic model. The importance of Shari'a views on Hajj lies in its unique feature, namely the dominance of the ideological approach in interpreting the whole of Hajj as well as the components and stages of performing Hajj. Undoubtedly, Shariati, as a religious intellectual with ideological tendencies, has tried to present a narrative based on his Islamic ideological model in which the social, political and class dimensions of Hajj are more important than its individual and spiritual dimensions, and the individual and spiritual dimensions of Hajj. It is also considered as a kind of revolutionary self-construction in the direction of making a united and protesting human being in the field of oppression. Shariati's political view of the Hajj has transformed the Hajj from a ritual of worship into a large political community that can also be seen as a factor in the solidarity of the world's political and religious Muslims.

Keywords: Hajj, ideology, politics, religion, Islamic culture

بازتعریف سیاسی احکام عبادی اسلامی در اندیشه علی شریعتی (مطالعه موردی فریضه حج)

تاریخ دریافت: ۱۹/۲/۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۷/۵/۱۴۰۱

نورسعید آسا^۱فرشته سادات اتفاق فر^۲مهدی گلجان^۳**چکیده**

حج یکی از مهم‌ترین فرایض اسلامی تلقی می‌شود که دارای ابعاد پیچیده فردی و اجتماعی بوده و از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و تمدن اسلامی برخوردار است. قرن‌های متمادی مسلمانان از سراسر جهان برای ادای فریضه حج هر ساله به مکه می‌روند و این اجتماع بزرگ اسلامی همه ساله به شکلی با شکوه و عظیم برگزار می‌شود و عظمت آن باعث توجه بسیاری اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان به این مراسم مذهبی مسلمانان شده است. علی شریعتی هم بعنوان یک روشنفکر مسلمان در نظام فکری و الگوی اسلام شناسی خود جایگاه ویژه‌ای به حج داده است. اهمیت دیدگاه‌های شریعتی درباره حج در ویژگی منحصر به فرد آن یعنی سیطره رویکرد ایدئولوژیک در تفسیر کلیت حج و همچنین اجزاء و مراحل انجام حج نهفته است. بی‌شک شریعتی به عنوان یک روشنفکر دینی با گرایش‌های ایدئولوژیک سعی کرده تا روایتی مبتنی بر الگوی ایدئولوژیک اسلامی خود ارائه دهد که در آن ابعاد اجتماعی و سیاسی و طبقاتی حج نسبت به ابعاد فردی و معنوی آن از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و ابعاد فردی و معنوی حج را هم نوعی خودسازی انقلابی در مسیر ساختن انسانی موحد و معترض در عرصه ظلم ستیزی تلقی می‌کند. نگاه سیاسی شریعتی به حج باعث شده تا حج از یک فریضه عبادی به یک اجتماع بزرگ سیاسی تبدیل شود که می‌تواند عامل همبستگی مسلمانان سیاسی و مذهبی جهان هم تلقی شود.

کلمات کلیدی: حج، ایدئولوژی، سیاست، دین، فرهنگ اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. nmodem@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) etefaghfar@iausr.ac.ir

ستادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m.goljan12@yahoo.com

شریعتی در سال های ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ همراه با کارون حسینیّه ارشاد به حج مشرف شد. او پس از نخستین سفر حج خود کتابی با نام «حج، زیباترین روح همبستگی» تألیف کرد. فرم و ساختار کتاب «حج» متأثر از همان مناسک حج است و به نوعی کتاب یک سفرنامه است. همان طور که شریعتی می گوید، سفرنامه یک حج کننده مسلمان است. کتاب «حج» رساله فقهی نیست، بلکه رساله فکری است و در مقدمه مهم کتاب «حج» نویسنده تأکید دارد مؤمنان تفسیرها و تجربه های شخصی خود را از امور معنوی بنویسد. با کند و کاوی در کتاب «حج» دیده می شود که چگونه علی شریعتی متهم از طرف روشنفکران به استفاده کارکردی از دین، پاسخ منتقدان را می دهد و همچنین در مواجهه با انتقاد روحانیون که می گویند شریعتی به شعائر و مناسک بی اعتناست نیز پاسخ می دهد. او تأکید دارد یک متخصص فقه و کلام نیست، بلکه صرفاً خود را یک حج کننده مسلمان می داند، سعی می کند فارغ از عادت های معمول درباره تجربه دینی اش سخن بگوید و از این حرکت می توان به عنوان گامی در جهت دموکراتیزه کردن برداشت های دینی یاد کرد. شریعتی تأکید دارد از این کار در پی آن است که کتاب خواندنی قرآن خوانده شود. تمام این رویکردی که در کتاب «حج» دیده می شود، به شکل دیگر نیز در کتاب «مبعاد با ابراهیم» دنبال می شود و مضمون ها یکی است. وقتی این کتاب را باز می کنیم، در صفحه عنوان آن با آیه ۹۷ سوره مبارکه مائده مواجه می شویم که می فرماید:

«جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا مَّا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهُدَىٰ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (مائده/۹۷)

قرار گرفتن این آیه در صفحه عنوان کتاب بیانگر آن است که شریعتی بر آن است که حج بار سیاسی یعنی قیام علیه ظلم دارد. به همین سبب بسیاری از رمزگشایی ها او از مناسک حج، بار سیاسی دارد. مثلاً او سه سنگ را که باید رمی کرد، را زر، زور و تزویر می داند. و در مورد علت این امر که حاجی باید هفتاد گلوله را از مشعر با خود بیاورد و یک هفتم آن را برای کسب پیروزی به کار برد و شش هفتم آن را برای ادامه پیروزی نگه دارد، می گوید: تا سرنوشت همه نهضت ها، سرانجام شوم همه انقلاب ها تکرار نشود. (شریعتی، بی تا: ۲۰۸) همین که مرحوم سنگ ریزه ها را گلوله خوانده است، کاملاً حاکی از این است که او دست کم از این عمل برداشت سیاسی دارد.

روش شناسی

روش جامعه شناسانه و تاریخی شریعتی در حقیقت یک بازخوانی متکی بر نقل و توصیف و به تبع آن یک بازشناسی تاریخی و اجتماعی از اصول دین برای رسیدن به مقاصدی چون تبیین و تفهیم است. این روش که ناظر به فهم گذشته شناسی است و امر تاریخی در آن، پدیدار رخ داده در زمان گذشته است. او به دنبال این نیست که درگیر مفهوم سازی ذهنی شوند، بلکه در تلاش است با سفر به تاریخ و آنالیز رویدادها و نمونه برداری از آنها به بازخوانی و بازشناسی برخی از مفاهیم و آموزه ها نائل آید. این نوع رویکرد روشی شریعتی در پی رویکرد تحلیلی ای نظاممند و روندشناسانه ای است که در پی استخراج یک مدل فکری است. روی آوردی علمی که بجای جستجو از پیشینه به

جستار در آثار، علیت، ... می‌پردازد و چگونگی و چرایی پدیدار اجتماعی و تاریخی را توضیح می‌دهد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ۲۳۲-۲۳۰)

روش برای شریعتی فی نفسه متضمن نگاه چند بعدی بود و از آن با نام تعدد عوامل نام می‌برد. در واقع روش واحد هرگز به ما نگاه میان‌رشته و چند علتی نمی‌دهد. او متأثر از گروویچ معتقد بود که به جای دیدن علت تام، باید بر علت‌هایی متعدد که تأثیرات متقابل هم در یکدیگر دارند تأکید کرد. روش برای شریعتی جدای از طرح ابعاد نظری آن موضوع عمل بود؛ یعنی او خود نیز عامل به روش بود. از طرح ایده‌ها، تا دعوت به انتقاد، برنامه تدریس باز، بی‌اعتمادی به هنجارهای آموزشی مثل حضور و غیاب، امتحانات خاص تحلیلی از دانشجویان و جلوگیری از تابو شدن دیدگاه‌ها و رویکردش نسبت به موضوعات از جنبه‌های عاملیت و وفاداری او به روش است. (شاکری، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۶)

نوآوری‌های شریعتی در روش در مواجهه با قرآن محصول نگاه‌های مختلفی است که به پدیده‌های اجتماعی و انسانی مطرح شده در قرآن دارد. به نظر او روش تحقیق قرآن بر خلاف روش کلی‌گرای ارسطویی است؛ بلکه جزئی‌گرایانه است. یعنی به جای پرداختن به علل اولی به ماوراء الطبیعه و کلیات، جزئیات و پدیدارهای عینی را مد نظر دارد؛ پدیده‌هایی چون ستاره، زنبور عسل، عنکبوت، گاو، مورچه، شب و... در قرآن زیاد آمده‌اند. (شریعتی، ۱۳۷۸: ۱۳۵)

رویکرد روشی شریعتی در بحث دین‌پژوهی، جامعه‌شناختی است. گرایش به تحلیل اجتماعی رادیکال، یعنی توجه به ریشه‌ها و معضلات اجتماعی به وضوح در آثار وی قابل مشاهده است. از نگاه وی اصول دین پدیده‌های اجتماعی و تاریخی است که به اعتبار و شأن اجتماعی، تاریخی، اقتصادیشان قابل توجه هستند و این اصول به هیچ وجه از تاریخ، اجتماع و اقتصاد منفک نمی‌شوند. ضمناً وی بیشتر بر حیث کارکردی اصول دین آن هم کارکرد مثبت آن در سامان بخشیدن به حیات جمعی تمرکز می‌کند؛ یعنی اصول دین را واقعیتی اجتماعی و تاریخی قلمداد می‌کند و بدین روی آن را دارای کارکرد اجتماعی مثبتی می‌داند که موجب انسجام و همبستگی اجتماعی است. در فضای فکری ایشان نتیجه‌بخشی و کارایی عملی مهم است و معیار سنجش صدق و کذب، تأثیرات و کارکرد عملی مثبت است؛ به عبارت دیگر آنچه که به کار آید سودمند، ثمربخش و صادق است و نه آنچه قابل انتزاع است و یا آنچه استدلال‌پذیر است. (مختاری، ۱۳۹۳: ۵۳)

رویکرد شریعتی در دین پژوهی

شریعتی یک نظریه پرداز سیاسی نبود، ولی همچون افراد کارآفرین و خلاق با انجام دادن کاری که سابقه آنچنانی نداشته است و با استفاده از نوآوری ترمینولوژیک خود به احیا و زنده کردن مفاهیم و مضامین تفکر دینی پرداخت که تا آن زمان مفاهیمی همچون استحمار و مفاهیمی مختلف در تشیع علوی و صفوی و ... مطرح نبودند و ایشان برخی مفاهیم را اولین بار طرح و برخی را با دید دیگری و متفاوت از قبل بیان کردند و با این کار در جای با درون داشت‌های موجود در مذهب شیعی به مبارزه با رژیم حاکم و کارویژه‌های آن اقدام کردند. با این حال، او با

استفاده از نظریات اجتماعی خود، ایدئولوگ بسیاری از فعالیت‌های سیاسی محسوب می‌شد. (عباس زاده، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۳)

قرائت رایج از دین در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در ایران قرائتی ایدئولوژیک بود. این قرائت، درست از دل شرایط ایدئولوژیک متولد شد. در این مقطع روشنفکران دینی چون شریعتی تلاش کردند، نشان دهند دین از بهترین برنامه برای اداره دنیای آدمیان برخوردار است. در اسلام به عنوان یک ایدئولوژی، شریعتی به ابزاری معاد شناختی جهت تعریف و شناخت زندگی و جامعه آرمانی دست یافته بود که تصویری از جهان و انسان، حقیقت زندگی، نظام اجتماعی و شیوه زیستن و خودسازی ارائه می‌دهد. (رهنما، ۱۳۸۳: ۹۵)

شریعتی همانند بسیاری از فیلسوفان و جامعه‌شناسان برداشت واقعیت‌گرا از ایدئولوژی داشت، و برای ساختن جامع ایدئال از آن بهره گرفته است. او ایدئولوژی را ایمان‌زا و مسولسبت‌آور می‌داند و درگیری و فداکاری را لازمه آن می‌شمارد. ایدئولوژی شریعتی همانند علم است که بر اساس قوانین کل و بر اساس آرمان‌های ثابت انسان استوار است و بر عهد روشنفکران است که همواره به انطباق ایدئولوژی با واقعیت‌های زمان و مکان پردازند و آن را از خطر استحاله دور نگه دارند. (علم‌الهدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۴-۱۸۳)

شریعتی از منظر تاریخ‌نگری و جامعه‌شناسی و انقلاب اجتماعی و فکری، بزرگ‌ترین رسالت و مسئولیت خویش را آن می‌داند که علت‌های اجتماعی و حقیقی انحطاط جامعه را پیدا کند و عامل واقعی توقف و عقب ماندگی و پس رفت را برای انسان و نژاد و محیطش کشف کند و آنگاه جامعه خواب‌آلود و ناآگاه را به عامل اساسی و تقدیر شوم تاریخی و اجتماعی آگاه سازد و راه حل و هدف و مسیر درست جامعه برای حرکت از این وضع را نشان دهد و بر اساس امکانات، نیازها، دردها و همچنین سرمایه‌های جامعه شان راه حل‌هایی را که برای ملت موجود است به دست آورد و بر مبنای طرح و مکتبی بر اساس استخدام درست سرمایه‌ها و شناخت دقیق دردها به پیدا کردن ارتباطات حقیقی و علت و معلولی و علمی میان انحطاط و ناهنجاری‌ها و بیماری‌ها و پدیده‌هایی موجود در داخل و خارج پردازد و مسئولیتی را که خود احساس می‌کند از گروه محدود روشنفکران با متن عام جامعه خودش منتقل نماید و تضادهای اجتماعی موجود در بطن جامعه اش را وارد خودآگاهی و احساس مردم کند. (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۹: ۴۲)

شریعتی معتقد است که باید به اسلام اولیه و ناب بازگردیم و ناخالصی‌های وارد شده در دین را بزدا کنیم. به نظر او، اسلام باید از حالت تکرار سنت‌های ناآگاهانه، که بزرگ‌ترین عامل انحطاط است به صورت یک اسلام آگاهی‌بخش مترقی معترض، و به عنوان یک ایدئولوژی آگاهی‌دهنده و روشنگر مطرح گردد. شریعتی تلاش می‌کند تا اسلام را در قالب یک ایدئولوژی معرفی کند. به باور وی، اسلام یک مکتب و ایدئولوژی است که حاوی برنامه‌های جامع برای زندگی اجتماعی است. اسلام انسان را به تحرک و پویایی و تلاش و همچنین حرکت به سمت تعالی و کمال فرا میخواند و مخالف سکون و رکود و بیعدالتی و ستم و استثمار است. (شریعتی، ۱۳۶۱الف: ۱۳۰-۱۳۰)

شریعتی از وضع موجود سخت ناخرسند است؛ او در اندیشه دگرگونی‌های ژرف تری بوده و مشتاق رهایی بخشی است. بنابراین برای درمان انحطاط موجود، اسلام انقلابی را تجویز می‌کند و آن را در قالب یک ایدئولوژی مطرح می‌نماید. شریعتی معتقد است تمام برنامه‌های اسلام برای زندگی اجتماعی است و یکی از بارزترین مشخصات اسلام اجتماعی بودن آئین و دستورات آن است. وی عنوان می‌کند بزرگ‌ترین خدمتی که اسلام نه تنها به مسلمین بلکه تاریخ بشری کرد این بود که قدرت عشق مذهبی و قدرت معنوی و احساس عرفانی را که در درون انسان‌ها بوده است در راه ساختن جامعه بشری، استقرار عدالت، کسب قدرت و پیشرفت مادی و معنوی به کار گرفت. (شریعتی، ۱۳۵۷: ۶۴)

شریعتی در تلاش بود تا اسلام را به صورت یک ایدئولوژی جامع و انقلابی معرفی کرده و برتری‌های آن را نسبت به ایدئولوژی‌های مدرن غربی نظیر مارکسیسم و لیبرالیسم نشان دهد. به عقیده وی در کتاب اسلام شناسی کلمه «ملت» در قرآن کریم به معنای ایدئولوژی است. در نظر وی اسلام به مثابه یک ایدئولوژی تام و تمام بود و همه حوزه‌های زندگی اجتماعی و شیوه‌های زیستی و روابط اجتماعی، به ویژه سیاست را در بر می‌گرفت. شریعتی تشیع را نماینده روح تعالیم اسلام و همه صفاتی می‌دانست که در قرآن به حزب‌الله نسبت داده شده است. او به روشنفکران اطمینان می‌دهد که تشیع همه اجزای لازم برای ایدئولوژی پیشرو امروزین را داراست.

شریعتی با ارائه تعریف جدید از مفهوم ایدئولوژی آن را به ابزار مهمی برای صورتبندی تفکر خود تبدیل می‌کند. به زعم وی ایدئولوژی، عبارت از بینش و آگاهی ویژه‌ای است که انسان نسبت به خود، جایگاه طبقاتی، پایگاه اجتماعی، وضع ملی، تقدیر جهانی و تاریخی خود و گروه اجتماعی‌ای که بدان وابسته است، دارد و آن را توجیه می‌کند و بر اساس آن، مسئولیت‌ها و راه حل‌ها و جهت‌یابی‌ها و موضع‌گیری‌ها و آرمان‌های خاص و قضاوت‌های خاصی پیدا می‌نماید و در نتیجه، به اخلاق، رفتار و سیستم ارزش‌های ویژه‌ای معتقد می‌شود. (شریعتی، ۱۳۷۹: ۲۹-۲۸)

شریعتی میان دو نوع اسلام تمایز قائل شد؛ اسلام ارتجاعی و اسلام ایدئولوژیک و انقلابی. به نظر شریعتی، اسلام موجود آن زمان، اسلام حقیقی نبود؛ بلکه افیون توده‌ها بود. اسلام ایدئولوژیک اما منجر به آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به افراد و سرنوشت آنها می‌شد. (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۸) به زعم برخی از پژوهشگران درخصوص تفکرات و نگرش‌های شریعتی اقامت وی در فرانسه با دوران پرآشوب انقلاب الجزایر همراه بوده است. شریعتی فکر و ذهن خود را متوجه آنچه در الجزایر می‌گذشت کرد، زیرا هرگز خود را از مبارزات مردم مسلمان این کشور که نمونه مبارزات ضدامپریالیستی بود، جدا احساس نمی‌کرد و خود را شریک سرنوشت آنها می‌دانست. (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۸) شریعتی قبل از بازگشت به ایران متقاعد شده بود که اسلام مؤثرترین رسانه ارتباطی در ایران است. مهم‌تر از همه اینکه او دیگر در میزان کارایی اسلام به عنوان یک مکتب فکری و یک مذهب برای ارائه راه‌حلی صحیح برای حل مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تردیدی نداشت. (رهنما، ۱۳۸۳: ۱۹۰-۱۸۹)

جایگاه فریضه حج در فرهنگ اسلامی

قرآن کریم کعبه را بعنوان نخستین خانه توحید و با سابقه‌ترین معبد عمومی در روی کره زمین معرفی نمود که هیچ معبدی پیش از آن مرکز عبادت خدا نبوده است و کعبه با این سابقه مقدس، بر بیت المقدس ترجیح یافت و قبله جهانیان گردید. در عظمت این خانه همین بس که خود خداوند متعال در این دو آیه مبارکه، این خانه را به خودش نسبت داد و این تنها خانه‌ای است که به خداوند استناد شده است و در مورد دیگری حضرت ابراهیم (علیه السلام) این خانه را به خداوند منان نسبت داد: «ربنا انی اسكنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم» (ابراهیم / ۳۷) از آنجایی یکه عظمت و عزت خداوند قابل تصور نیست خانه‌ای را که خود خدا به خودش نسبت داد هم قابل تصور نخواهد بود از این رو دو تا از بهترین بندگان خود یعنی ابراهیم و اسماعیل را مأمور تطهیر آن کرد چونکه این خانه متعلق به اوست هر کسی نمی‌تواند آن را تطهیر کند، چنانکه مشرکین به احترام این خانه حق ورود در آن، بلکه نزدیک شدن آنرا ندارند: «انما المشرکین نجس فلا تقربوا المسجد الحرام» (توبه / ۲۸)

حج به عنوان زیارت این مکان مقدس، یکی از واجبات الهی است که در تمام ایام عمر یکبار با شرائط خاصی واجب می‌شود. حج پیمان و عهدی است میان خداوند و بندگان او که به هر طریق شده باید از عهده آن برآیند و به هیچ وجه از انسان‌های مستطیع ساقط نمی‌شود و اگر خودش معذور شد باید نایب بگیرد بطوری که این عهد و میثاق با مرگ هم ساقط شدنی نیست. از جمله چیزهایی که دلالت بر اهمیت فوق‌العاده و منحصر به فرد حج دارد وجود ابعاد مختلف و منافع وسیع و احیاناً متضاد حج است که این چنین وسعت و گستردگی در هیچ یک از عبادت دیده نمی‌شود و این از مختصات حج است.

حج می‌تواند تحوکی درونی در یکایک مسلمانان ایجاد کند و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او، و نیز احساس قدرت، اعتماد به نفس، رستگاری و فداکاری را در حجاج به وجود آورد و از اعضای جدا افتاده امت اسلامی، پیکره‌ای واحد و کارآمد و نیرومند بسازد (جعفریان و خسروی، ۱۳۷۱: ۱۳۵)

حج به عنوان تجربه نزدیکی میان مسلمانان می‌تواند بهترین الگوی ترویج وحدت اسلامی تلقی شود. این مساله‌ای است که اغلب رهبران ناسیونالیست کشورهای اسلامی نظیر جمال عبدالناصر، سوکارنو و تونکو عبدالرحمن هم به آن توجه داشتند ولی در عین حال، این رهبران، بهتر از هر کسی می‌دانستند که حج همواره به طور کامل با گرایش‌های سیاسی آنها برای حفظ حاکمیت‌شان در کشورهای مجزا سازگار نیست. (Bianchi, 2004: 45)

حج، پیونددهنده مسلمانان است؛ چون روابط اجتماعی در شبکه مذهبی و اجتماعی حج در سطوح مختلف وجود دارد. حج شبکه ارتباطی معنوی، اجتماعی و سیاسی درون‌گروهی، بین‌گروهی و بین‌المللی خاص و جامع همه مراتب روابط اجتماعی است. از این رو، حج مناسب‌ترین فرصت برای ایجاد ارتباطات منطقی و مداوم و تبادل نظر و مذاکرات اصولی میان ملت‌هاست تا بدین وسیله بتوانند به مشکلات و کمبودهای کشورهای اسلامی آگاه شده، در حل مشکلات دیگر اعضا شریک و سهم شونند (اولیائی، ۱۳۷۸: ۲۹)

حج عاملی مؤثر برای تربیت، خودسازی و دگرگونی است. انسان در این سفر باید دگرگون شود، گذشته را اصلاح کند و راه آینده را از کنار کعبه و پاکترین نقطه جهان آفرینش آغاز کند. وقتی انسان تصمیم به حج می‌گیرد، باید

قصدهش مهاجرت الی الله باشد. اگر بشر دنبال تکیه‌گاه و ستون محکمی برای اعتماد به آن می‌گردد، بیت‌الله الحرام مهم‌ترین رکن برای این منظور است؛ این اجتماع عظیم پیرامون این پایگاه معنویت و سیاست می‌تواند این رگ‌های ارتباطی میان بشر را قوی‌تر کند. اجتماع شکوهمند حج، اجتماعی است از همه قشرهای مسلمانان جهان؛ چرا که زائران کعبه از میان تمام گروه‌ها، نژادها، زبان‌ها و کشورهای مختلف اسلامی می‌باشند. در این اجتماع فراملیتی، افراد مسلمان از سراسر جهان، بدون توجه به مشخصه‌های جغرافیایی و سنت‌های قومی و لباس و رنگ، با مساوات کامل و بدون توجه به شعارهای پوچ و گمراه‌کننده، شرکت دارند و نظیر این همبستگی در سراسر کره زمین بی‌مانند است. (رهبر، ۱۳۷۷: ۲۵)

حج، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اجتماع انسانی در اسلام تلقی می‌شود که هر سال رخ می‌دهد و در این گردهمایی بزرگ مذهبی، مسلمانان از کشورهای و فرقه‌های گوناگون اسلامی در کنار یکدیگر به برگزاری مراسم حج می‌پردازند. مراسم حج، ویژگی‌های مهمی نظیر تعامل میان مسلمانان و تبادل نظر در امور اساسی اسلام، تمرین تساهل و مدارا و محبت و برائت از استعمار و استکبار را دارد. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۶۸)

تفسیر نمادین شریعتی از مراسم حج
کعبه، محوری‌ترین جایگاه تجلی توحید و بارزترین محل ارتباط مردم با خداست که ژرف‌ترین و عمیق‌ترین مفاهیم ارزشی را در نظم نمادین خود جای داده است. شناخت و فهم صحیح این مفاهیم ارزشی و نمادین، از فهم اکثر آیین‌گزاران خارج بوده و نیازمند واکاوی و شرح است؛ چرا که آیین‌گزارانی که به یک سمت رو کرده و گرد یک محور و مطلق می‌گردند، هنگامی که به مزایای معنوی آن محور توحیدی آشنا باشند، معبود خود را بهتر شناخته و او را بی‌شائبه‌تر می‌پرستند. حج یکی از مهم‌ترین عبادات در کنار نماز و روزه و یادگار حضرت ابراهیم با قوانین و مناسک خاص مهم است که خودش به سبب نوعی همکاری در انجام مناسک از مصادیق تعاون در برادری و تقوای الهی است. در میان عبادات گوناگون مناسک و اعمال حج یک مجموعه رمز آلود است که هر یک از فروع آن دارای اسرار نهفته‌ای است.

حج را از جمله عباداتی است که نمادهای خاص و ویژه عبادی توصیه شده در آن تا حدودی رازگونه است. از طواف گرفته تا سعی و از رمی گرفته تا وقوف، آنچه‌ان با نماد عجیب هستند که بیشتر آن را به یک نمایش بزرگ الهی برای رخ‌نمایی جامعه اسلامی و تعبد فرامین الهی تبدیل می‌کنند. با این وجود هر یک از این مراحل و به طور کلی خود حج را نمی‌توان عبادتی صرفاً دستوری تلقی نمود که پیام‌های نهفته در آن قابل ادراک نباشد؛ گرچه شاید به وضوح برخی دیگر از عبادات نباشد. رمزآلودگی و نمادین بودن حج باعث شده است تا خداوند هم این عمل عبادی را از حیث «شعائر الله» بودن مورد تأکید قرار دهد. لکن در میان این مستوری رگه‌های پررنگ معرفتی و شناختی در خصوص ماهیت حج و فلسفه آن قابل ردیابی است.

شریعتی در کتاب حج خود، کو شیده است تا بسیاری از اعمال حج را رمزگشایی کند. روایت‌هایی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد که نشان دهد این اعمال سمبولیک، دارای نشان و علامتی است که می‌باید آنها را دریافت و به ارتباط خود و خدا سامان داد. این اثر در سه بخش تدوین شده است. شریعتی در این کتاب از زبان و ادبیاتی بهره

می‌گیرد تا مخاطب را از نمادین بودن مراسم حج آگاه کند. او معتقد است که خدا هر چه را خواسته به آدمی بگوید، یک جا در حج ریخته است. (شریعتی، بی تا: ۱۹) به اعتقاد وی:

«حج و مجموعه اعمالی که در پیرامون حج برگزار می‌شود یک نوع بیان است و انتقال اندیشه و احساس به انسان‌هاست «بیان» به معنای فلسفی، نه به معنای ادبی، عبارت است از «مجموعه علائم»، «حرکات»، «نشانه‌ها» و «قرارداد»هایی که به وسیله آن یک اندیشه یا یک احساس به دیگران منتقل می‌شود. این معنی بیان است.» (شریعتی، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۱)

شریعتی حج را بازی کردن نقش ابراهیم می‌داند؛ «ابراهیمی، بت شکن بزرگ در تاریخ، بنیانگذار توحید در جهان، رسالت هدایت قوم بردوش، عصیانگر صبور، آشوبگر هادی. پیامبری، درد بر جاننش، عشق در دلش، نور در سرشو... تبر بر دستش!» (شریعتی، بی تا: ۲۶۷) تفسیر شریعتی از مفاهیم دینی اغلب نمادین است او معتقد بود که بسیاری از واژگان در اسلام دارای پتانسیل تحریک کننده و انقلابی بوده است، به نظر او از این مفاهیم انقلابی و با هدف چیزی جز بی مغزی، بی محتوایی و بی هدفی باقی نمانده بود و همین عامل سبب می‌شود شریعتی با نگاهی جدید همان اصطلاحات را دوباره تعریف کند و آن را از بی تحرکی و بی هدفی در بیاورد. (عباس‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۷) بر همین اساس هم حج را ایفای نقش ابراهیمی بت‌شکن تلقی می‌کرد و به حجاج در پایان حج به صراحت می‌گوید:

«و تو، ای که نقش ابراهیم را بر عهده داشتی، نه به بازی، که به عبادت، به عشق، از خانه خدا به خانه خود باز مگرد، از نقش ابراهیم، به نقش خویش رجعت مکن، خانه مردم را ترک مکن و دوباره پا در گلیم خویش مکش، احرام را بیرون میار و تن در دثار خویش مپیچ! از منی، به مکه باز گرد، با اسماعیل!» (شریعتی، بی تا: ۲۶۷)

شریعتی حج را نوعی کنش نمادین برای نمایش توحیدی حقیقی می‌داند و بر این باور است روی دیگر این توحید رهایی از همه انواع شرک‌های مختلف در زندگی انسان است. او سعی داشت تا با ارائه تفسیر جدید از نمادهای دینی نظیر حج روح تازه‌ای در کالبد جامعه اسلامی زمان خود بدمد. شریعتی معتقد بود روشنفکر مسلمان نباید مذهب را نفی نماید، بلکه از جهت آخرگرایی باید آنرا دنیایی کرده و از توجه به روح و نفس و اخلاق و ریاضت به کار، سازندگی، کوشش و فعالیت کشاند و از جهت صوف گری آنرا به اعتراض تبدیل نماید. (شریعتی، ۱۳۷۰: ۴۹۰)

تفسیر شریعتی از برخی اعمال حج بخوبی بیانگر این موضوع است. او در خصوص نماز میقات این رویکرد متفاوت در تفسیر زبان نمادین حج را نشان می‌دهد. به زعم وی این نماز تبلوار توحید واقعی و دوری جستن از شرک و پذیرش بندگی غیر خداست شریعتی در توصیف این موضوع می‌گوید:

«شگفتا که نماز در میقات، در کفن سپید احرام، در آستانه میعاد، معنی دیگری دارد! گویی کلمات تازه ای می‌شنویم؟ تکرار یک فریضه نیست. داریم با "و" حرف می‌زنیم، وزن حضور او را بر خویش لمس می‌کنیم: ای رحمن! که دوست را می‌نوازی! ای رحیم که آفتاب رحمت، از مرز کفر و ایمان، شایستگی و ناشایستگی، پاکی، و ناپاکی، و حتی دوستی و دشمنی ما می‌گذرد، آری، جز تو، دیگر کسی را نخواهم ستود که حمد ویژه تو است، جز تو دیگر

کسی را ارباب نخواهم گرفت که رب همه توئی، که ملک و مالک روز دین توئی، همه بتهایم را می شکنم، هیچ کس را جز تو دیگر نمی پرستم، از هیچ قدرتی جز تو دیگر یاری نمی گیرم، ای تنها و تنها معبود من، ای تنها و تنها مستعان من! ما همه را که این چنین بر بیراهه های جهل افتاده ایم، بر گمراهی های جورمان افکنده اند، بازیچه ضعیف های خویشیم و بازیچه قدرت های غیر تو و غیرخویش، به راه آر، بر راه پاک راستی و آگاهی و حقیقت و کمال و عشق و زیبایی و خیر بران، ما را همراه آنها کن که دوستشان داشته ای و نعمشان داده ای، نه آنها که بر آنان خشمگینی و نه آنها که گمراهانند.» (شریعتی، حج: ۴۷-۴۶)

بازخوانی نمادین شریعتی از مناسک حج زمینه را برای بازتعریف ایدئولوژیک آن در بستر یک نگرش انقلابی و اجتماعی به حج فراهم می کند و شریعتی با استفاده از همین قابلیت نمادین حج است که می تواند آن را در درون نظام منسجمی از تفسیرهای ایدئولوژیک قرار دهد. این قابلیت در سایر فرایض و مناسک اسلامی در مقایسه با حج بسیار کمتر است.

رویکرد ایدئولوژیک شریعتی به حج

شریعتی در تلاش بود تا اسلام را به صورت یک ایدئولوژی جامع و انقلابی معرفی کرده و برتری های آن را نسبت به ایدئولوژی های مدرن غربی نظیر مارکسیسم و لیبرالیسم نشان دهد. به عقیده وی در کتاب اسلام شناسی کلمه «ملت» در قرآن کریم به معنای ایدئولوژی است. در نظر وی اسلام به مثابه یک ایدئولوژی تام و تمام بود و همه حوزه های زندگی اجتماعی و شیوه های زیستی و روابط اجتماعی، به ویژه سیاست را در بر می گرفت.

شریعتی میان دو نوع اسلام تمایز قائل شد؛ اسلام ارتجاعی و اسلام ایدئولوژیک و انقلابی. به نظر شریعتی، اسلام موجود آن زمان، اسلام حقیقی نبود؛ بلکه افیون توده ها بود. اسلام ایدئولوژیک اما منجر به آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به افراد و سرنوشت آنها می شد. (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۸) شریعتی معتقد بود دین پیامبر و حضرت علی که دین راستین و حقیقی و تحریف ناشده است، ایدئولوژیک بوده و لذا هر مؤمنی باید دین را ایدئولوژی ببیند، بدین معناست که دین، «سنت های ناخودآگاه اجتماعی» و به تعبیر دیگر «فرهنگ» نیست. (شریعتی، ۱۳۷۶: ۶۰)

شریعتی در فهم آموزه های اسلامی به دنبال مدلی آرمانی است، به اعتقاد شریعتی، تجربه دینی و معنوی تجربه ای آزادی بخش است و او در کتاب «حج» از طریق چند وجهی کردن رابطه مؤمن با خداوند و همچنین از طریق چندوجهی کردن مناسک حج تعریف های معمول و مرسوم از تجربه امر معنوی را به چالش می کشد و تصریح می کند اینکه مناسکی یک بار برای همیشه تعریف شده باشد، صحیح نیست و فرد را به تکرار و عادت می کشاند و تأکید دارد که تجربه های امر معنوی و دین داری باید با شناخت و ادراکی تازه برای مؤمن همراه باشد، همچنان که هر بار که شریعتی به سفر حج می رفت، ادراک دیگری از آن تجربه معنوی پیدا می کرد. شریعتی به تمام پتانسیل های انقلابی و سرکوب شده تشیع، چهره ای انقلابی و معترض و تحول آفرین داد، و توانست مذهب را به عامل بسیج ایدئولوژیک مردم علیه حکومت پهلوی در ایران تبدیل کند. شریعتی در حقیقت نوای پیامبران گونه تشیع در جریان مواجهه ضداستعماری با مدرنیته بود که به ایدئولوگ مذهب تشیع تبدیل شد. (Dabashi, 2008: 92)

شریعتی با استفاده از ماهیت نمادین حج سعی می‌کند آن را در خدمت تفکر ایدئولوژیک خود قرار دهد. مفهوم کلیدی شریعتی در صورتبندی ایدئولوژیک مناسک حج «توحید» است و حج سمبل توحید تلقی می‌شود. جامعه آرمانی شریعتی برای مسلمانان و ایرانیان جامعه‌ای توحیدی است که در آن عرفانی پویا، سازنده و حاضر در متن اجتماع وجود دارد که اولاً با اندیشه و علم سازگار است، ثانیاً تقویت‌کننده مبارزه علیه تبعیض برای رسیدن به عدالت و زمینه‌ساز تلاش برای به دست آوردن آزادی در عرصه فردی و اجتماعی است که رهایی از بندهای نفسانی در افراد و رهایی از استبداد و استعمار را در اجتماع به دنبال دارد. (شریعتی، ۱۳۶۱: ب: ۳۰۸)

شریعتی بر این باور است که، حج، نمی‌خواهد یک عقیده، یک دستور و یا یک ارزش را طرح کند، حج تمامی اسلام است. از فلسفه وجود و جهان‌بینی گرفته تا فلسفه خلقت انسان و سیر تاریخ و مراحل تکامل آدمی. از آغاز پیدایی اش بر روی خاک، تا آخرین قله کمال نهائی اش، و نیز آنچه باید بیاموزد و مرحله‌ای که باید در بندگی طی کند تا به معراج خدایی اش اوج گیرد، و بالاخره، طرح تکوین "نوع بشر"، "تشکیل" امت نمونه بشری "و تکامل" فرد بشری"، و اصل "تغییر همیشگی"، "نظم ثابت" و "هماهنگی دقیق با زمان" و "اصالت اجتماع" و به طور کلی: حرکت خودآگاه و انتخاب شده‌جمعی به سوی ابدیت مطلق، کمال لایتناهی: "خدا!" (شریعتی، بی تا: ۲۲)

شریعتی معتقد است که حج هم خود سازی و هم انحلال فرد در امت است. (شریعتی، بی تا: ۲۳) در حقیقت او سعی داشت تا نشان دهد که خود سازی در نهایت باید به عبور از فرد به سوی جامعه و امت منجر شود. به زعم وی فرد ساخته جامعه است و هیچ چیز جز آنچه از جامعه گرفته است ندارد، وقتی که تیپ جامعه در حال عوض شدن است، یعنی می‌خواهد آنچه را که دارد رها کند تا آنچه را که می‌خواهد بگیرد، بنابراین در چنین حالتی طبیعی است که فرد دچار شخصیت‌زدایی شود. در این دوره است که افراد نسبت به شخصیت خودشان فاصله می‌گیرند، زیرا صفاتی که جامعه به شخص داده است، با عوض شدن شخصیت جامعه، دگرگون شده و ضعیف می‌گردد. (شریعتی، ۱۳۷۸: ۱۷۲-۱۷۱) شریعتی وحدت و فرد و جامعه را در این فرایند تبدیل شدن فرد به امت به خوبی در کتاب حج به تصویر می‌کشد. به باور او:

«من "ها در میقات می‌میرند و همه "ما" می‌شوند. هر کسی از خود پوست می‌اندازد و بدل به "انسان" می‌شود. و تو نیز فردیت، شخصیت خود را دفن می‌کنی و "مردم" می‌شوی، "امت" می‌شوی، که وقتی از "منی" به در آیی، خود را نفی کنی، در "ما" حلول کنی، هر کسی یک جامعه می‌شود، فرد، خود یک "امت" می‌شود، چنانکه ابراهیم یک "امت" شده بود و تو اکنون، می‌روی تا "ابراهیم" شوی!» (شریعتی، بی تا: ۴۳)

جامعه انسانی در اندیشه شریعتی یک وجود عینی و واقعیت خارجی و بالذات و مستقل از افراد است. اما یک وجود اعتباری از انسان‌هاست، یعنی نه وجود مثل کلی انسان و نه وجود حقیقی مثل انسان‌هاست. (شریعتی، اسلام‌شناسی، ۱۳۷۹: ۲۹۴) البته در الگوی ایدئولوژیک شریعتی فرد لزوماً تسلیم بی‌چون و چرای جامعه نیست بلکه افرادی هم وجود دارند که می‌توانند مسیر جامعه را تغییر دهند. به باور وی مرحله‌ای می‌رسد که انسان ساخته شده جامعه و تاریخ، سازنده تاریخ و جامعه‌اش می‌شود. این‌ها از نوعی دیگرند. انسان‌های ساخته شده‌ای هستند که تبدیل به انسان‌های سازنده می‌شوند. (شریعتی، ۱۳۸۹: ۳۰۰)

با نگاهی کلی به آثار شریعتی بر اساس جهان بینی و انسان شناسی اش، ایدئولوژی تشیع پدید می آید که مسیر انسان را برای رسیدن به یک جامعه ایده آل توحیدی مشخص می کند. شریعتی با نقد دو ایدئولوژی مارکسیسم و لیبرالیسم تلاش دارد تا راه جدیدی را بنا نهد و آن راهی مبتنی بر توحید است. آلترناتیو شریعتی به جای غربزدگی و مارکسیسم یک تشیع فعال سیاسی و انقلابی تجدید حیات یافته است بر اساس جهان بینی توحیدی است. (احمدی، ۱۳۶۰: ۱۶۳) توحید برای شریعتی معنای خاصی دارد که در کتاب حج آن را چنین توصیف می کند:

«ابراهیمی، بت شکن بزرگ در تاریخ، بنیانگذار توحید در جهان، رسالت هدایت قوم بر دوش، عصیانگر صبور، آشوبگر هادی. پیامبری، درد بر جانش، عشق در دلش، نور در سرش و... تبر بر دستش! سر زدن ایمان از قلب کفر، فوران توحید از منجلا ب شرک، ابراهیم - بت شکن طائفه بشریت، از خانه آزر - بت تراش قبیله خویش! بت شکن، نمودشکن، کوبنده جهل، جور، دشمن خواب، آشوبگر آرامش ذلت، امنیت ظلم، رائد قبیله، پیشاهنگ نهضت، حیات و حرکت، جهت، آرمان و امید، ایمان، توحید.» (شریعتی، بی تا: ۷۵)

شریعتی در کتاب حج معتقد است که همه ادیان بر توحید بوده اند و نظام اجتماعی که در تاریخ به شرک بدل شده است و جامعه واحد و یک روح و بی طبقه اولیه، به جامعه های طبقاتی و چندگروهی تغییر یافته اند. توحید به شرک تبدیل شده است. (شریعتی، بی تا: ۱۹۱) حج می تواند این چندگروهی و تضاد را از میان بردارد و آدمیان را در مقابل خداوند با برابری کامل و در شرایط یکسانی مستقل از قوم، فرهنگ، نژاد و طبقه اجتماعی آنها قرار دهد. این واقعیتی است که حتی میشل مالرب پژوهشگر حوزه تاریخ دین نیز به آن معترف است و درخصوص ویژگی یکساننگری و یکسان سازی حج بر این باور است که: «این پوشش یک دست و یکسان که رده بندی اجتماعی را از میان برمی دارد، نماد برابری آدمیان در برابر خدا است.» (مالرب، ۱۳۷۹: ۳۱۳-۳۱۲)

شریعتی و بعد سیاسی حج

رویکرد ایدئولوژیک شریعتی به فریضه حج او را به سمت پررنگ کردن بعد سیاسی حج در مقایسه با بعد عبادی آن سوق می دهد. البته بی شک حج در کنار ابعاد عبادی جنبه های سیاسی هم دارد. حج فقط یک فریضه و عبادت صرف و خود سازی بی توجه به اصلاح جامعه نیست، بلکه ارتقای اخلاق، موثرترین و سیله برای پیشبرد اهداف سیاسی است. اختلاط «عبادت» و «سیاست»، «اقتصاد» و... در حج است که موجب شده در روایات، از کعبه به مثابه عامل ثبات دهنده الهی بر روی زمین یاد شود؛ زیرا به تعبیری، روح عبادت، توجه به خدا و روح سیاست توجه به خلق خدا است. (محمدی اشتهاری، ۱۳۸۴: ۱) یکی از ابعاد سیاسی حج مبارزه با روحیه استکباری است و حج را برای در هم شکستن طغیان و غرور جباران، به خضوع کشاندن گنهکاران و دمیدن روح بندگی به جانها و روانها است. در حدیثی از علی (ع) پرسیدند: چرا مکه را «بکه» گویند؟ فرمود: «بدین جهت که گردنکشان جبار و تبهکاران را در هم کوبیده است» (رهبر، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

مراسم حج، افراد و گروه های زیادی را از مناطق، نژادها، زبانها و سلیقه های مختلف، در کنار یکدیگر قرار می دهد. این امر هویت واحدی را در مسلمانان پدیدار می سازد و وحدت و همدلی را در بین آنان عینیت می بخشد. این

تقارن در طول مراسم حج در مراحل مختلفی، صورت گرفته و در چند نقطه به اوج خود می‌رسد. حج در ابعاد سیاسی و اجتماعی برکات فراوانی برای امت اسلامی دارد، همبستگی مسلمانان و اقتدار آنها را به نمایش می‌گذارد، اگر از حج در ست بهره‌برداری شود حاکمان و عالمان و فرهیختگان کشورهای مسلمان می‌توانند همه ساله آنجا کنار یکدیگر بنشینند و برای رفع مشکلات و پیشرفت جوامع اسلامی تصمیم‌گیری کنند.

رویکرد شریعتی به جنبه‌های سیاسی حج بسیار پررنگ بود. شریعتی حج را هم مثل سایر فرایض انسانی با رویکردی سیاسی تفسیر می‌کرد و معتقد بود که باید آن را از چرخه انحطاط تاریخی مسلمانان خارج کرده و تفسیری نو از آن ارائه داد. او به صراحت در کتاب حج اعلام می‌کند که «هیچ رسالتی را نمی‌شناسم که به اندازه اسلام، در راه انحطاط، پیش رفته باشد و میان "آنچه بوده است"، با "آنچه شده است"، فاصله‌ای را تا حد تناقض، طی کرده باشد!» (شریعتی، بی‌تا: ۶) شریعتی علل اصلی این انحطاط تاریخی و مزمن مسلمین از قرار زیر آسیب‌شناسی و علت‌یابی کرده است. ۱- الیناسیون؛ ۲- استعمار؛ ۳- اسلام فرهنگ و مقدم شدن آن بر اسلام ایدئولوژیک؛ ۴- متد صوری ارسطویی؛ ۵- آخرت اندیشی افراطی؛ ۶- مرگ اجتهاد پویا؛ ۷- مثلث زر و زور و تزویر؛ ۹- تصوف زدگی و غرب زدگی و هندزدگی است. (رحمانیان، ۱۳۸۲: ۳۶۱)

شریعتی معتقد است در فرایند انجام اعمال و مناسک حج، سه اصل را می‌توان جستجو کرد: اصل اول، اصل «اتصال» است؛ اصل دوم اصل «اجتماع» است و اصل سوم نیز اصل «حرکت منظم یا مهاجرت برای یک آرمان» می‌باشد؛ اصل «اتصال» یعنی، در حج دائماً و هر سال، اتصال مجدد انسان‌ها به سرشت و سرنوشت تاریخی و رسالت عظیم انسانی‌شان مشاهده می‌شود. اصل «اجتماع» یعنی، در مناسک حج، همه مکان خود را ترک کنند و در جایی با هم تصادم فکری داشته باشند. من وضعیت اجتماعی خودم را بگویم و او وضعیت اجتماعی خودش را بگوید. تصادم این جوامعی دور از هم، روح اجتماع زنده و اندیشه اجتماعی آگاه پدید می‌آورد. تجمع، اصولاً عامل تحرک انسانی، آگاهی و رشد جهانی‌بینی اعتقادی بشری است. در دنیا «کنگره» خیلی فراوان است. اما این «کنگره عظیم حج» با همه تجمع‌ها و کنگره‌های دیگری که در دنیا بوده و هست، فرق دارد. در تجمعات و کنگره‌های دیگر، نمایندگان طبقات و ملت‌ها که انتخاب و دست‌چین شده‌اند، می‌آیند و جمع می‌شوند. اما در اینجا ملت‌ها و توده‌ها، بی‌نماینده و مستقیم خودشان به میعادگاه می‌آیند. هر انسانی به نمایندگی خود و جامعه‌اش اینجا دعوت خدایی شده و حاضر می‌شود. اصل حرکت و مهاجرت نیز یعنی، از وقتی که مناسک حج شروع می‌شود، هیچ توفیقی (نظری و عملی) نیست. نه آدم می‌تواند توقف کند و نه هم باید توقف کند. تمام مناسک حج در حرکت و تغییر معنا می‌یابد؛ از تغییر لباس تا تغییر انجام مناسک در شب و روز است. (شریعتی، ۱۳۶۱ الف: ۱۱) تفسیر سیاسی شریعتی از حج او را به سوی ارائه نگاهی انقلابی و حرکت آفرین از حج سوق می‌دهد. حج به زعم وی یک تحول انقلابی در فرد است برای ایفای یک نقش سیاسی او معتقد است که:

«حج، بودن تو را که چون کلافی سر در خویش گم کرده است، باز می‌کند، این دایره بسته، با یک "نیت انقلابی"، باز می‌شود، افقی می‌شود، راه می‌افتد، در یک خط سیر مستقیم، هجرت به سوی ابدیت، به سوی دیگری، به سوی "او!"» (شریعتی، بی‌تا: ۲۹)

نگاه انقلابی به حج می‌توان نشانگر توجیه وجوه فردی و اجتماعی آن برای یک آرمان سیاسی باشد. در الگوی ایدئولوژیک شریعتی حج نوعی خودسازی انقلابی برای ایجاد یک جامعه انقلابی در را مبارزه با زر، زور و تزویر است که در آن خصلت عدالت‌خواه انسان مسیر تاریخ را به سوی عدالت‌گستری جهانی سوق می‌دهد و به همین دلیل هم حج یک کنش سیاسی جهانی تاقی می‌شود. تبلور نگاه جهانی اسلام در مفهوم امت نهفته است که کلید واژه سیاسی شریعتی تلقی می‌شود. شریعتی جلوه این تفسیر سیاسی در حج را چنین بیان می‌کند:

«در این کنگره، هر سال، به موسم، خدا از همه مردم جهان دعوت می‌کند تا ... رسالت بنای "امت شهید" را بر زیربنای "توحید" و با مسئولیت استقرار "حکمت"، "امامت" و "قسط" در زندگی انسان، اینجا، میعادگاه خدا و مردم، سرزمین جهاد و شهادت و عشق، به دست گیرند و به نام یک "امت"، مسئولیت دعوت به "زیبائی‌ها" و مبارزه با "زشتی‌ها" را، در زندگی انسان‌ها، تعهد کنند.» (شریعتی، بی‌تا: ۲۱۰)

حج برای شریعتی جلوه و نمایش جهانی امت واحده در پیشگاه پروردگار است و همین نمایش عظیم الهی می‌تواند یک نمایش عظیم سیاسی بر محور توحید باشد. شریعتی به خوبی به پتانسیل‌های سیاسی امت اسلامی و وحدت و همبستگی میان آنها آگاه بود و به اعتقاد وی اگر امت واحده اسلامی با محوریت یک ایدئولوژی توحیدی تشکیل گردد، یکبار دیگر قدرت و عظمت به جهان اسلام بازمی‌گردد.

شریعتی از وضع موجود سخت ناخرسند است؛ او در اندیشه دگرگونی‌های ژرف تری بوده و مشتاق رهایی بخشی است. بنابراین برای درمان انحطاط موجود، اسلام انقلابی را تجویز می‌کند و آن را در قالب یک ایدئولوژی مطرح می‌نماید. شریعتی معتقد است تمام برنامه‌های اسلام برای زندگی اجتماعی است و یکی از بارزترین مشخصات اسلام اجتماعی بودن آئین و دستورات آن است. وی عنوان می‌کند بزرگ‌ترین خدمتی که اسلام نه تنها به مسلمین بلکه تاریخ بشری کرد این بود که قدرت عشق مذهبی و قدرت معنوی و احساس عرفانی را که در درون انسان‌ها بوده است در راه ساختن جامعه بشری، استقرار عدالت، کسب قدرت و پیشرفت مادی و معنوی به کار گرفت. (شریعتی، ۱۳۵۷: ۶۴)

الگوی شریعتی در فهم و تفسیر اسلام یک الگوی ایدئولوژیک است که در آن شریعتی تلاش می‌کند تا بر اساس یک مدل منسجم و ساختارمند به تفسیر تاریخ اسلام، متون مقدس و سنت پیامبر اسلام (ص) ائمه معصومین (ع) و همچنین فرایض دینی پردازد. و این رویکرد تقریباً در تمامی آثار وی به شکل مشهودی قابل مشاهده است. تلاش شریعتی برای ترسیم ایدئولوژی اسلامی در مقابل ایدئولوژی‌های مارکسیسم و لیبرالیسم به عنوان دو ابر ایدئولوژی دوران جنگ سرد با باز تعریف مفاهیم اسلامی در بستر این ایدئولوژی و انسجام‌بخشی به آن برای تبدیل آن به ابزار اصلی بسیج توده‌های مردم در جوامع اسلامی انجام می‌شود. یکی از همه‌ترین فرایضی که شریعتی آن را در راستای ترسیم جامعه توحیدی و ایدئولوژی اسلامی خود بکار می‌بندد، فریضه حج است.

حج هم مثل هر موضوع دینی دیگری در ادبیات فکری شریعتی بر اساس رویکرد ایدئولوژیک تعریف و توصیف می‌شود و شریعتی با استفاده از رویکرد ایدئولوژیک خود در تفسیر اسلام و تشیع به سراغ حج رفته و سعی می‌کند تا آن را به عنوان یک رویداد مهم سیاسی در اسلام توصیف کند که به صورت نمادین انسان را در جامعه منحل کرده و جامعه را براساس مفهوم خاصی از توحید بازتعریف می‌کند. شریعتی حج را جلوه سیاسی اسلام می‌داند که در آن نمادهای جامعه توحیدی به صورت مشهودی به ظهور می‌رسد.

توحید در ایدئولوژی شریعتی پیوندی گسست‌ناپذیر با برابری و ظلم ستیزی دارد و جامعه توحیدی مطلوب وی با خصلت‌هایی تعریف می‌شود که در آن هرگونه سلطه طبقاتی نفی شده و انسان‌ها فارغ از رنگ، نژاد، قومیت و طبقه‌شان به صورت یکسان و به دور از هرگونه استثمار و سکوب در کنار یکدیگر و در مسیر تکامل فردی و اجتماعی خویش به حیات خود ادامه می‌دهند. حج در نظر شریعتی جلوه بارز و مشخص چنین وضعیتی در شکل نمادین آن است. نمادهای حج و در راس آن حضرت ابراهیم به عنوان بت‌شکن بزرگ تاریخ بشریت به عنوان مظهر تمامی خصلت‌های جامعه توحیدی جلوه‌گر می‌شود.

پیامد رویکرد ایدئولوژیک شریعتی به موضوع حج، پررنگ شدن جنبه‌های سیاسی آن در مقایسه با ابعاد و عبادی و معنوی فردی حج است. شریعتی در کل حج را فرضیه‌ای سیاسی می‌داند و حتی جنبه‌های عبادی آن را هم در راستای جنبه سیاسی و اجتماعی تفسیر می‌کند. شریعتی حج را مثل بسیاری دیگر از احکام اسلامی در راستای

تکامل اجتماعی و ایجاد جامعه توحیدی با شاخصه‌های سیاسی خاصی تعریف می‌کند که در آن سلطه طبقاتی کم‌رنگ شده و روابط حاکم بر آن مبتنی بر مناسبات انسانی و برابری تنظیم شده است. نگاه سیاسی شریعتی به حج مهم‌ترین دستاورد تفسیر ایدئولوژیک وی از این فریضه اسلامی تلقی می‌شود.

- احمدی، حمید (۱۳۶۰) شریعتی در جهان، تهران: قلم.
- اولیائی، اسماعیل (۱۳۷۸) «اهداف اجتماعی - اقتصادی کنگره عبادی - سیاسی حج در جهان اسلام»، **مجله میقات حج**، بهار ۱۳۷۸، شماره ۲۷.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳) جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جعفریان، رسول، محمد علی خسروی (۱۳۷۱)، **با کاروان ابراهیم (گزارش حج سال ۱۳۷۱)**، تهران: مشعر.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۲) «علت شناسی انحطاط و عقب ماندگی ایرانیان و مسلمین از دیدگاه دکتر علی شریعتی»، فصلنامه علامه، دوره اول، شماره ۴.
- رهبر، محمدتقی (۱۳۷۷) ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، تهران: مشعر
- رهنما، علی (۱۳۸۳) **مسلمانی در جستجوی ناکجا آباد**، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: گام‌نو.
- شاکری، سیدرضا (۱۳۹۲) «تفکر دکتر علی شریعتی؛ از چندرشته‌ای تا میان رشته‌ای» فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۲، بهار.
- شریعتی، علی (۱۳۷۶) شیعه، مجموعه آثار ۷، تهران: انتشارات الهام،
- شریعتی، علی (۱۳۶۱ الف) جهان‌بینی و ایدئولوژی، مجموعه آثار ۲۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریعتی، علی (۱۳۷۸) ویژگی‌های قرون جدید، مجموعه آثار ۳۱، تهران: چاپخش.
- شریعتی، علی (۱۳۵۷) تشیع علوی و تشیع صفوی، مجموعه آثار ۹، تهران: چاپخش.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱ ب) انسان بی‌خود، مجموعه آثار ۲۵، تهران: قلم
- شریعتی، علی (۱۳۷۰) چه باید کرد، مجموعه آثار ۲۰، تهران: قلم.
- شریعتی، علی (۱۳۷۹) اسلام‌شناسی ۱، مجموعه آثار ۱۶، تهران: قلم.
- شریعتی، علی (۱۳۸۹) بازگشت، مجموعه آثار ۴، تهران: الهام.
- شریعتی، علی (۱۳۹۱) میعاد با ابراهیم، مجموعه آثار ۲۹، تهران: دیدار.
- شریعتی، علی (بی تا) حج، مجموعه آثار، تهران: حسینیه ارشاد.
- عباس زاده، سیروس (۱۳۹۶) «تأثیر ترمینولوژی شریعتی بر رادیکالیزم شیعی در تاریخ معاصر ایران»، فصلنامه تاریخ پژوهی (مجله انجمن علمی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)، سال نوزدهم، شماره ۶۹، تابستان.
- علم‌الهدی علی و دیگران (۱۳۹۶) «واکاوی مفهوم ایدئولوژی در اندیشه شریعتی و سروش»، فصلنامه آیین حکمت، سال نهم، شماره ۳۱، بهار.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۰) روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مالرب، میشل (۱۳۷۹) انسان و ادیان نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی،
- محمدی‌اشتهاری، محمد (۱۳۸۴) «عبادت و سیاست، تار و پود حج»، فصلنامه قبسات، شماره ۲۱،
- مختاری، حمیده (۱۳۹۳) «بررسی رویکرد روشی دکتر علی شریعتی در اصول بنیادین دین»، دوفصلنامه تخصصی اشارات، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان.

نصری، عبدالله، (۱۳۹۰)، رویارویی با تجدد، جلد دوم، تهران: علم.
هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲) امام خمینی و همگرایی جهان اسلام، تهران: نشر نیایش.
یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۹) **شریعتی و نقد سنت**، تهران: یادآوران.

Bianchi , Robert (2004) *Guests of God: pilgrimage and politics in the Islamic World*, Oxford and New York: Oxford University Press.

Dabashi, Hamid (2008), *Islamic Liberation Theology (Resisting the empire)*, published by Routledge.